آغاز ثبت‌نام کنکور ارشد ۱۴۰۰ از امروز

ثبت‌نام آزمون ورودی مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۰ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی و بیست و ششمین المپیاد علمی- دانشجویی از امروز ۱۶ آذر آغاز می‌شود. متقاضیان ثبت‌نام و شرکت در آزمون ورودی مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۰ می‌توانند تا ۲۳ آذر با مراجعه به سایت سازمان سنجش آزمون ورودی ثبت‌نام کنند./ جام جم دیلی

روند صعودی کرونا در استان‌های شمالی

علیرضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مبارزه با کرونا گفت: وضعیت استان‌های شمالی در هفته گذشته بدتر شده و ابتلا به کرونا در گلستان، گیلان و مازندران روند صعودی پیدا کرده است. وی افزود: وضعیت کرونا در استان قزوین و اردبیل هم گرچه از حالت صعودی خارج شده، اما هنوز روند نزولی ندارد و ناپایدار است. رئیسی تأکید کرد: وضعیت نارنجی در شهر تهران و بسیاری از شهرها شکننده است و اگر مردم پروتکل‌ها را به طور جدی رعایت نکنند، ممکن است هفته‌های آینده دوباره محدودیت‌ها تشدید شود./ جام جم دیلی

کوتاه‌تر از گزارش

تجارت میلیاردی در سیاه‌چاله فریدونکنار

میثم اسماعیلی

جامعه

چرا بازار فروش لاشه پرندگان مهاجر در فریدونکنار جمع نمی‌شود؟ سؤالی که عدم پاسخ به آن عمری بیش از یک دهه دارد. سال‌هاست که هیچ مسوولی نتوانسته یا نخواسته پاسخ این پرسش ساده و معمولی را بدهد. از وضعیت شگفت‌انگیز این بازار همین بس که فراگیری کرونا باعث تعطیلی تمام مشاغل و کسب‌وکارها در ایران شده، اما این بازار همچنان باز است و به فعالیت خود ادامه می‌دهد، عجیب‌تر از این‌که علاوه بر کرونا حالا آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان هم در این منطقه از سوی سازمان دامپزشکی تأییدشده، اما همچنان ۲۰۰ تخته‌دار در این بازار صبح به صبح به لاشه پرندگان مهاجر چوب حراج می‌زنند. فرماندار این شهر هم انگار خسته از سؤال تکراری و بی‌پاسخ قدیمی است، چراکه وقتی از او پرسیدند چرا بازار فریدونکنار در تعطیلات کرونا همچنان فعال است، گفت: «فقط ممکن است در لحظاتی آن‌هم در صبح ازدحام داشته باشیم در سایر ساعات ازدحام نداریم! اگر ستاد مقابله با کرونا درباره بازار فریدونکنار مصوبه‌ای دارد، من در خدمت شما هستم.» این قصه امروز و دیروز نیست، کرونا و آنفلوآنزا هم حریف مافیای پشت پرده گردانندگان این بازار نشده است، همین سال گذشته که به دلیل سم‌ریزی در تالاب میانکاله شاهد تلفات چند هزار قطعه پرنده بودیم، اعلام شد بیش از هزار لاشه پرندگان مرده هم سر از این بازار و سفره‌های مردم درآورده‌اند.

بازار پرسود خریداران متمول

یک فعال محیط زیستی در فریدونکنار به جام جم می‌گوید قدرت گردانندگان بازار پرندگان این شهر فراتر از تصور است. او می‌گوید بارها به دلیل اطلاع‌رسانی توسط این افراد تهدید شده و جالب این‌که نه به‌صورت ناشناس که همه اهالی شهر هم این افراد را می‌شناسند. کل بازار پرندگان فریدونکنار شامل ۲۵ تخته (دکه) است که توسط ۲۰۰ نفر اداره می‌شود. قیمت لاشه پرندگان مهاجر در این بازار توسط یک نفر هر صبح چوب زده می‌شود. افرادی که روزانه لاشه حدود ۶۰۰۰ پرنده مهاجر را قیمت‌گذاری می‌کنند، سال‌هاست که سازمان حفاظت محیط‌زیست نتوانسته از پس بی‌شمار تخلفات این افراد بربیاید. جالب این‌که مسؤولان محلی هم به قدرت این ۲۰۰ نفر اذعان دارند. حسینعلی ابراهیمی کارنامی، مدیرکل محیط‌زیست مازندران می‌گوید چرا نمی‌توانند مانع فعالیت این افراد شوند؟ چون «تجارت پرسودی است، بازاری که به متمولین خدمت می‌کند.»

قیمت‌های روز بازار فریدونکنار

منظور از تجارت پرسود در این بازار یعنی گردش مالی روزانه ۱۰ میلیارد تومانی. فقط لاشه پرندگان عرضه‌شده در این بازار به روزانه ۶۰۰۰ قطعه می‌رسد و میانگین قیمت امسال حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است. البته این قیمت‌ها از سال گذشته است و حتما که در سال جاری این قیمت‌ها هم افزایش داشته است. یکی از دکه‌داران این بازار آخرین قیمت‌ها را از لاشه پرندگان مهاجر با ما درمیان گذاشته است، قیمت‌هایی که به گفته او چون در آغاز فصل مهاجرت هستیم و پرندگان هنوز گوشت چندانی ندارند، فعلا اندکی پایین است.

- **یک جفت اردک سرحنایی:** ۱۵۰ هزار تومان
- **چنگر جفتی:** ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان
- **خوتکا جفتی:** ۸۰ هزار تومان
- **مرغابی:** ۷۵ تا ۸۰ هزار تومان
- **غاز خاکستری:** ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان

قیمت‌های سال گذشته پرندگان در این بازار:

- **اردک کله‌سبز:** جفتی ۲۵۰ هزار تومان
- **غاز:** ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان
- **خوتکا:** ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان
- **چنگر:** ۵۰ هزار تومان

گردش مالی میلیاردی از کشتار پرندگان

فریدونکنار را نه در ایران که در جهان به‌عنوان قتلگاه پرندگان مهاجر می‌شناسند. چند سال پیش گاردین در گزارشی نوشت بیش از یک میلیون قطعه پرنده مهاجر به‌صورت سالانه فقط در تالاب فریدونکنار شکار می‌شوند. با یک حساب سرانگشتی اگر قیمت متوسط هر لاشه را ۱۵۰ هزار تومان در نظر بگیریم، می‌توان گفت گردش مالی این بازار در فصل مهاجرت پرندگان دست‌کم ۱۵۰ میلیارد تومان است.

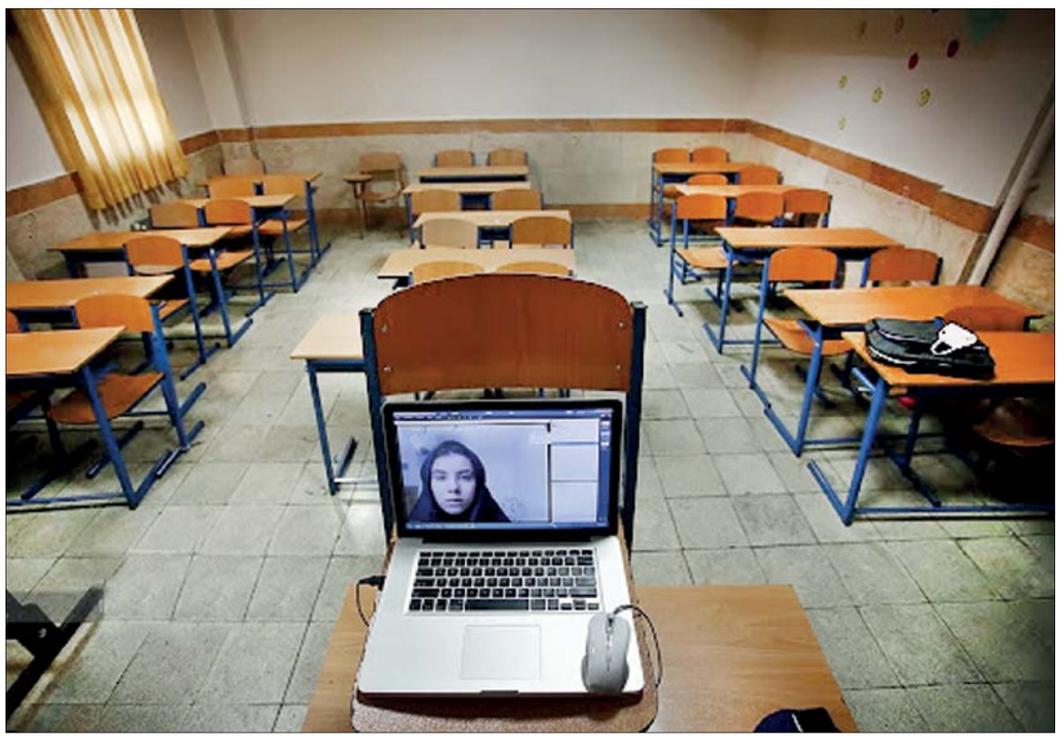

برخی دانشجویان و استادان، آموزش مجازی را فرصت و برخی دیگر آن را تهدیدی برای آموزش می‌دانند

عکس: پانا

در خاص‌ترین روز دانشجوی ۶ دهه اخیر، دانشجویان و استادان از حال و هوایشان و خطری به نام بی‌سوادی می‌گویند

سردترین ۱۶ آذر تاریخ

مریم خباز

جامعه

اگر از ۱۶ آذر سال ۳۲ که احمد و مصطفی و آذر مشت‌های گره کرده‌شان را سمت دیدار مقامات ایرانی با نیکسون و از سرگیری روابط ایران و بریتانیا گرفتند و با این مشت‌های درهم پیچیده، تا پای جان ایستادند، بگذریم، ۱۶ آذر سال ۹۹ که ۶۷ سال پس از آن روز است، خاص‌ترین و عجیب‌ترین و منحصربه‌فردترین ۱۶ آذری است که تا به حال وجود داشته. امروز دیگر از هیچ جشنی خبری نیست، امروز قرار نیست به مناسبت روز دانشجو در هیچ دانشگاهی، دانشجویان و استادان دورهم جمع شوند و گپی بزنند و حس خوب دانشگاهی بودن را به مشام بکشند. امروز همه چیز مجازی برگزار می‌شود، حتی رئیس جمهوری به یمن ۱۶ آذر از ساختمان پاستور در برنامه مجازی این روز حضور می‌یابد و وزیرعلوم و معاونانش نیز از سالن شهدای جهاد علمی و البته به صورت مجازی به وی ملحق می‌شوند. حتی تشکل‌های دانشجویی پرشور که همیشه ۱۶ آذر برایشان فرصتی برای بحث بر سرعملکرد مسؤولان و ردیف کردن مطالبات‌شان از آنها بود برنامه چندانی برای پرسش و پاسخ ندارند، در واقع اغلب‌شان به نوعی در لاک خویش فرو رفته‌اند که طبق گزارش مهر، معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه امیرکبیر نگران تشکل‌های دانشجویی و کاهش فعالیت آنان شده است. خلاصه امسال در خاص‌ترین روز دانشجوی ۶۷ سال گذشته، در روزی که کرونا همچنان دست از سرمان برنداشته و مجبوریم زیر سایه وحشت و اصولی که ویروس به ما دیکته می‌کند گذران عمر کنیم، همه دانشگاه‌ها برنامه‌های مجازی تدارک دیده‌اند، که خب اگر نظر دانشجویانی را که چند ماهی است دارند مجازی درس می‌خوانند در این باره جویا شویم حتما شانه بالا می‌اندازند و لب کج می‌کنند و معترض می‌شوند که آخر جشن هم مجازی!

کرونا هرچه دلش خواست با ما کرد، ماهیت روزهای تقویمی ما را نیز به هم ریخت و به امورات‌مان شکل و شمایلی خاص داد و ما به همین بهانه در یکی از این روزهای تقویمی که ۱۶ آذر و روزی همیشه پرشور و هیجان برای دانشجویان بود از آنها پرسیده‌ایم حالشان چطور است و اوضاع تحصیل‌شان چگونه پیش می‌رود. همچنین از چند استاد دانشگاه خواسته‌ایم استاد بودن زیر سایه کرونا را برایمان تشریح کنند و بگویند، چه می‌خواهند و اساسا حال دلشان چطور است.

تریبون دانشجویی

ما با آن ۱۰ درصد از دانشجویان کشور حرف نزدیم که به گفته معاون صندوق رفاه دانشجویان، گوشی اندروید در اختیار ندارند و صندوق رفاه حاضر است به آنها پنج میلیون تومان وام بدهد. ما با دانشجویانی از شهرهای مختلف کشور حرف زدیم که اتفاقا همگی گوشی‌های پیشرفته در جیب‌شان بود و دغدغه محرومیت از چیزهای ابتدایی را نداشتند.

ما با دانشجویانی حرف زدیم که عده‌ای‌شان ترم اولی و تعدادی‌شان دانشجوی سال بالایی بودند که در مجبور شدن به نشستن در خانه و خیره شدن به صفحه گوشی و لپ‌تاپ و مانیتور وجه مشترک داشتند و به جز یکی دو نفری که جهان‌بینی‌شان با دیگران فرق داشت، همگی از آموزش مجازی می‌نالیدند و حال دلشان خوب نبود.

مینا، دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی دانشگاه ترتیب مدرس مکالمه‌اش را با ما با این جمله آغاز کرد: هیچ حس و حال دانشجویی ندارم و حس بی‌سوادی به من دست داده است. او جملاتش را کوبنده آغاز کرد و تقریبا زد به هدف، به همان جایی که برخی دانشجویان از گفتنش ابا دارند.

میناگفت برای ما ماه‌هاست کلاس مجازی می‌گذارند و استاد یک کتاب زبان اصلی را ترجمه می‌کند و می‌رود و این می‌شود تدریس ریاضی در مقطع ارشد.

او از ترم قبل هم تجربه‌های خوبی ندارد و می‌گوید یکی از استادانش چند هفته هیچ آموزشی نداشت، ولی به مرور فیلم‌های ضبط شده‌ای را بارگذاری کرد که چون کوتاه بود، نمی‌شد چیزی از آنها فهمید.

مینا از خودش و دوستان نزدیکش که خبر دارد، می‌گوید همگی‌مان از این وضع درس خواندن ناراحتیم و حس می‌کنیم چیزی یاد نگرفته‌ایم و به نظرمان بی‌سواد بالا می‌آییم مگر این که خودمان بجنبیم و نگذاریم این اتفاق رخ دهد.

فرزانه هم که ترم اول ارشد روان‌شناسی است از همان ابتدای گفت‌وگو خیال خودش و ما را راحت می‌کند که کلاس‌های مجازی بازدهی کلاس‌های حضوری را ندارد. او حتی تشبیه جالبی به کار می‌برد و می‌گوید برخی استادان به چشم من مثل رادیو هستند که در زمان مشخصی روشن می‌شوند و بدون این که بشود از آنها سؤالی کرد یک سری مطالب را می‌گویند و می‌روند. او می‌گوید برخی استادها اجازه چت‌کردن را به دانشجو نمی‌دهند و در زمان برگزاری کلاس مجازی هم میکروفن دانشجو را فعال نمی‌کنند که آنها حرف بزنند و سؤال کنند و نظراتشان را به اشتراک بگذارند.

فرزانه بی‌تعارف به ما می‌گوید حس و حال دانشجو بودن ندارد و حس می‌کند به‌عنوان دانشجوی ارشد هیچ رشدی نکرده و همان دانشجوی دوره کارشناسی باقی مانده است.

بعد از حرف زدن با این دو دانشجو، گفت‌وگوی ما با پویا که سال اول رشته کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر است کمی از دوز منفی ماجرا کم کرد. پویا از مدرسه تیزهوشان به دانشگاه آمده و تحلیل‌هایش به این دلیل قابل فهم بود. او به ما گفت به‌هر حال مجازی شدن کلاس‌های دانشگاه یک تجربه جدید بود که زمانه اقتضا کرد، هرچند او هم دلش می‌خواسته دانشگاه به معنی فضای فیزیکی و آموزش به معنی حضور در کلاس‌های درس را تجربه کند.

او روی مثبت ماجرا را می‌بیند و می‌گوید آموزش مجازی باعث می‌شود حین تدریس استاد فقط به حرف‌های او گوش دهیم و بعد از اتمام تدریس، با بازبینی فیلم‌ها نکته‌برداری و تمرین کنیم. در واقع از نظر پویا همه استادان در حال تلاش برای تدریس به بهترین نحو هستند و از نظر او این دانشگاه نیست که باید یک‌تنه همه چیز را به افراد یاد بدهد چون دانشگاه فقط یک شتاب‌دهنده برای یادگیری است و اویی که باید برای یادگرفتن تلاش کند شخص دانشجوست.

پویا البته با این حجم از مثبت‌اندیشی از این نکته صرف‌نظر نکرد که پلتفرم‌های دانشگاهی مشکل دارند و کلاس‌ها همچنان قطع می‌شود و همچنین او حس دانشجو بودن را آن‌طور که توقع داشته تجربه نکرده است.

کیمیا، دانشجوی رشته نقاشی ولی برخلاف پویا حرف‌هایش را با این جملات شروع کرد: اوضاع درس خواندن خیلی وحشتناک است و درس‌های عملی را اصلا یاد نمی‌گیریم. او می‌گوید وقتی مجبور است طراحی و نقاشی را از روی لپ‌تاپ و درون خانه از روی آموزش مجازی استاد یاد بگیرد برایش دردناک است.

از نظر کیمیا درس‌های تئوری هم به شیوه مجازی خسته‌کننده است و برخی استادان نمی‌توانند مفاهیم را به دانشجویان منتقل کنند. او رک و پوست‌کنده می‌گوید دانشگاه فعلا چیزی به من یاد نداده و هرچه از طراحی و نقاشی می‌دانم مربوط است به چیزهایی که قبلا آموخته‌ام. او می‌گوید شاید حتی اگر کرونا ادامه پیدا کند و دانشگاه همین‌طور مجازی بماند، ترک تحصیل کند و در نقاشی جایی بیرون از دانشگاه رشد کند.

تریبون استادی

ما با استادانی که حرف زدیم هیچ‌کدام‌شان جزو کسانی نبودند که به قول دانشجویان از زیر کار در می‌روند و آموزش مجازی را سرسری می‌گیرند. آنها به قول خودشان با این‌که مشکلات را می‌بینند ولی سعی می‌کنند از تهدیدها فرصت بسازند، ولی با این حال دو نفر از آنها به نوعی گفت‌وگو با جام جم را مجالی برای درددل و تخلیه احساسات خود نسبت به تدریس مجازی تلقی کردند.

حسین ایمانی جاجرمی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مهم‌ترین گله‌اش از آموزش مجازی این است که در رشته علوم اجتماعی، نیاز به حضور در کلاس و بحث و گفت‌وگو هست که متاسفانه کرونا این فرصت را نه فقط از ما که از همه دنیا گرفته است.

او می‌گوید ما اوایل ماجرای کرونا با سامانه‌های مجازی مشکلات زیادی داشتیم اما کم‌کم وضعیت بهتر شد ولی مشکل اصلی این است که حضوری نبودن دانشگاه علاوه بر صدمه‌ای که به کیفیت آموزش وارد می‌کند، به روابط اجتماعی دانشجویان نیز ضربه می‌زند چون دانشگاه فقط به کلاس درس خلاصه نمی‌شود بلکه جایی است برای اجتماعی شدن افراد و شکل‌گیری شبکه‌های دوستی که می‌تواند تا پایان عمر ادامه داشته باشد. جاجرمی در واقع می‌گوید، کرونا صدمات غیردرسی زیادی به دانشجویان وارد کرده که مهم‌ترینش این است که دانشجویان حس دانشجو بودن را از دست داده‌اند و این حس را به استادان نیز منتقل می‌کنند.

اسماعیلی، استاد رشته کامپیوتر دانشگاه کاشان اما تجربه تدریس مجازی را خوب می‌داند و مخصوصا در مقاطع ارشد و دکتری که اغلب افراد دانشجو هستند تدریس مجازی را برای آنها یک مزیت می‌داند ولی با این حال از این نیز غافل نمی‌شود که گله‌هایی وجود دارد. او می‌گوید اینترنت در کشور مشکل دارد و زیرساخت‌ها چه نرم‌افزاری و چه سخت‌افزاری مشکل دارند و سرویس‌دهنده‌ها ضعیف هستند. اما وی مشکل اصلی را نه اینها که حس خودش و دانشجویانش می‌داند، حس این‌که آموزش مجازی باعث افسرده شدن آنها به‌ویژه خودش شده و برای عده‌ای از دانشجویان باعث افت تحصیلی و در نتیجه کم‌سوادی‌شان شده است.

حسن مرادزاده، استاد رشته الکترونیک دانشگاه اما در گفت‌وگو با ما سعی کرد غرزدن را کنار گذاشته و به تهدیدهای کرونا که می‌تواند به فرصت تبدیل شود، اشاره کند. او گفت من به این فکر می‌کنم که با تقویت زبان انگلیسی‌مان از آموزش‌های مجازی برای جذب دانشجویان خارجی استفاده کنیم، همچنین به این فکر کنیم فاصله‌ای که در حوزه آموزش مجازی با غرب داشتیم را بالاخره داریم پر می‌کنیم.

او می‌گوید زیرساخت‌ها در کشورمان برای آموزش مجازی مشکل دارد ولی این نمی‌تواند بهانه‌ای برای خوب درس نخواندن و خوب درس ندادن باشد. این استاد دانشگاه حتی معتقد است لااقل دانشجویان او در این مدت بی‌سوادتر نشده‌اند ولی این را نیز اضافه می‌کند که تدریس دروس عملی با مشکلاتی روبه‌روست که برای آن هم می‌شود راه حل پیدا کرد. در واقع حسن مرادزاده گفت می‌شود از تهدیدها فرصت ساخت یا نشست و فقط غرزد.

مینا، دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی مکالمه‌اش را با ما با این جمله آغاز کرد: «هیچ حس و حال دانشجویی ندارم و حس بی سوادی به من دست داده است». او می‌گوید استاد در کلاس مجازی یک کتاب زبان اصلی را ترجمه می‌کند و این می‌شود تدریس ریاضی در مقطع ارشد

حسن مرادزاده استاد رشته الکترونیک می‌گوید به جای غرزدن می‌شود تهدید کرونا را به فرصت تبدیل کرد مثلا با تقویت زبان انگلیسی‌مان از آموزش‌های مجازی برای جذب دانشجویان خارجی استفاده کنیم

توسعه علمی با آموزش مجازی

علیرضا حسن‌زاده

مدیر گروه مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه تربیت مدرس

آموزش مجازی فرصتی بود که توانستیم در تهدیدی به نام کرونا، آن را شکوفا کنیم و گسترش دهیم. واقعیت این است که پیش از این هم حرکت به سمت مجازی و الکترونیکی شدن آموزش، جزئی از برنامه‌های وزارت علوم بود اما شیوع ویروس کرونا باعث شد این فرآیند تسریع شود. چنان‌که می‌بینم تقریبا تدریس در همه دانشگاه‌ها و همه مقاطع تحصیلی اعم از کارشناسی، ارشد و دکتری به‌صورت مجازی در حال برگزاری است. در واقع آموزش مجازی باعث شد اساتید و دانشجویان با فناوری‌های روز آشنا شوند و بتوانند از ابعاد گسترده تکنولوژی استفاده کنند و بدانند که می‌توان به شکل دیگری هم علم آموخت.

یکی از پیامدهای مثبت آموزش مجازی این بود که باعث شد از مهاجرت دانشجویان به خارج از کشور کم شود. در واقع دانشجویی که تصمیم داشت به‌صورت فیزیکی مهاجرت کند و در دانشگاه دیگری و در کشور دیگری تحصیل کند، حالا امروز، اینجا و در کشور خودمان است اما به‌صورت مجازی در دانشگاه دیگری تحصیل می‌کند و دوره‌های الکترونیکی آن دانشگاه را می‌گذراند و مدرک دلخواهش را هم از همان دانشگاه می‌گیرد.

از سوی دیگر، اگر در شرایط حضوری می‌توانستیم مثلا ۱۰ دانشجو در دوره ارشد بگیریم، امروز و با برقراری آموزش مجازی می‌توانیم تعداد بیشتری از دانشجویان را در این دوره پذیرش کنیم. یکی دیگر از پیامدهای مثبت آموزش مجازی، ارتباط مشترک با دیگر دانشگاه‌ها در سایر کشورهای دنیاست. مثلا پیش از این بنا بود دانشگاه تربیت مدرس، قراردادی مشترک با فرانسه داشته باشد که به دلایلی انجام نشد؛ اما حالا چه؟ حالا در این شرایط به‌سادگی می‌توانیم دوره آموزش الکترونیک مشترکی با هم داشته و با اساتید آنها تعاملی خوب داشته باشیم؛ اتفاقی که شاید در گذشته، امکان حضور اساتید و رفت‌وآمدشان به کشورهای مختلف وجود نداشت و حالا وجود دارد.

در واقع امروز، توسعه آموزش عالی رخ داده و نوعی توازن و عدالت آموزشی برقرار شده و به‌جای تمرکز علم در یک نقطه، توسعه علمی رخ داده است.

البته که به‌هرحال مشکلات و پیامدهای منفی هم وجود دارد مثلا این‌که دانشجویان در تمام مدت روز در خانه هستند و احساس دلتنگی نسبت به فضاهای اجتماعی و دانشگاهی دارند. آنها در جمع‌های دانشجویی جمع می‌شدند و با همدیگر ارتباطات خوبی برقرار می‌کردند اما امروز نیازهای اجتماعی‌شان برطرف نمی‌شود.

به‌هرحال، با در نظر گرفتن پیامدهای منفی، باز هم این سیاست که در شرایط کرونا، افراد به سمت ابزارهای الکترونیک و آموزش مجازی بروند خیلی خوب بود و به معنای واقعی، تبدیل تهدید به فرصت را اجرایی کرد. ضمن این‌که به نظر نمی‌رسد بار علمی دانشجویان در فرآیند آموزش مجازی، از لحاظ آماری، تفاوت معناداری با قبل داشته و از کیفیت آن کم شده باشد؛ مخصوصا در رشته‌هایی که نیاز به آزمایشگاه فیزیکی ندارد.

به نظر می‌رسد بعد از گذر از دوران کرونا نیز باید از روش‌های ترکیبی استفاده کنیم، یعنی به موازات آموزش حضوری، از امکاناتی که آموزش مجازی در اختیارمان قرار می‌دهد هم استفاده کنیم.

مشکلی به وسعت جهان

سیاه و سفید، زشت و زیبا، ناقص و کامل همه جای دنیا و در همه موضوعات وجود دارند، حتی در آموزش مجازی و پیامدهای آن برای افراد که در عصر کرونا دیگر به چالشی جهانی تبدیل شده است.

درست است که در این بین برخی مشکلات تقریبا مختص ماست و مثلا در بحث اعطای اینترنت رایگان به دانشجویان به روایت ایسنا، علی‌رغم وعده‌های ۱۰ ماهه مسؤولان عالی وزارت علوم و ارتباطات هنوز بسیاری از دانشجویان به‌خصوص در مناطق محروم چشم‌انتظار دسترسی بدون هزینه به کلاس‌های درس و دانشگاه هستند ولی برخی مشکلاتی که ما داریم، بقیه مردم جهان نیز دارند. یکی از این دردهای مشترک کرونایی، احساس تنهایی دانشجویان است و به طوری که اتحادیه دانشجویی هلند هشدار داده شیوع کرونا شرایط روحی و روانی دانشجویان را به‌شدت تحت‌الشعاع قرار داده است.

هلندی‌ها گفته‌اند کرونا باعث احساس تنهایی در دانشجویان و در نتیجه سطح بالای استرس و افسردگی در آنها شده است، در واقع همان حس‌های بدی که دانشجویان و استادانی که با ما حرف زدند نیز داشتند و از آنها رنج می‌بردند.

در کشورما اما به این موضوعات توجه جدی نمی‌شود، اصلا به این فکر نمی‌شود که در روز دانشجو، دانشجویانی دارند نطفه ترک تحصیل را در ذهن می‌پرورانند و خیلی‌هایشان از کنج خانه نشستن و خیلی از استادان از ندیدن دانشجویان مملو از حس‌های منفی شده‌اند.

ما هیچ سالی در روز دانشجو درباره این مسائل حرف نمی‌زدیم، یعنی هیچ سالی این حرف‌ها دغدغه نبود ولی امسال که هست باید برایش فکری شود و لااقل درباره‌اش حرف زده شود.